

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، پیاپی ۵  
صفحات ۸۶-۶۹

## تحلیل اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته در توسعه روستایی شهرستان دامغان

مهدی پورطاهری\*، استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس.  
عبدالرضا رکن‌الدین‌افتخاری، دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس.  
مهناز رهبری، کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۲۶ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۹/۲۴

### چکیده

ویژگی‌های نهفته در منابع تولیدی و محصولات کشاورزی تولید شده، امکان تحولی را فراهم می‌سازد که بخش کشاورزی بتواند از راه‌های مختلف، نقش اساسی و محوری خود را در فرآیند توسعه و بالاخص توسعه روستایی ایفا نماید. بنابراین با توجه به قابلیت‌های خاص هر منطقه، نقش برجسته برخی از محصولات در ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، خدمات عمومی و توسعه زیرساخت‌های روستایی و به طور کلی توسعه روستایی را نمی‌توان نادیده گرفت. در این تحقیق، با توجه به اهمیت محصول پسته در زندگی ساکنان نواحی روستایی دهستان دامکوه در شهرستان دامغان، به مطالعه آثار اقتصادی و اجتماعی کشت پسته بر روستاها و کشاورزان پرداخته است. این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی و با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده است. نمونه مورد مطالعه، ۳۱۸ خانوار پسته‌کار است که با استفاده از فرمول کوکران به دست آمده است. نتایج تحقیق نشان داد که آثار اقتصادی کشت پسته در شاخص‌های رفاه اقتصادی، امنیت اقتصادی و کیفیت اشتغال، نسبت به آثار اجتماعی کشت پسته در شاخص‌های مشارکت و سرمایه اجتماعی در منطقه مورد مطالعه، بیشتر می‌باشد و هم‌چنین بین ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کشاورزان پسته‌کار در شاخص‌های سن، سابقه کشت، میزان تحصیلات، میزان آشنایی با بازار، میزان استفاده از مکانیزاسیون، میزان سرمایه‌گذاری، تحول اراضی زیرکشت، میزان استفاده از اعتبارات بانکی، میزان استفاده از خدمات مشاوره‌ای، تعداد افراد تحت تکفل، میزان سطح زیرکشت، عملکرد محصول در هکتار، استفاده از روش‌ها و نهاده‌های جدید، انگیزه کشت و مالکیت اراضی مورد بهره‌برداری، و آثار اقتصادی و اجتماعی کشت پسته در منطقه مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: پسته، آثار اجتماعی و اقتصادی، توسعه روستایی، ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی کشاورزان، دامغان.

## (1) مقدمه

توسعه روستایی، به معنای اجرای پروژه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جهت چشم‌انداز آینده نواحی روستایی می‌باشد (Leon, 2005:302) که امروزه می‌توان موقعیت فعلی و آینده چشم‌انداز نواحی روستایی را با توجه به چشم‌انداز کشاورزی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد (Ibid, 306). اقتصاد روستایی به عنوان یکی از وجوه بسیار اساسی موجودیت روستا، از دیرباز با کشاورزی و فعالیت‌های زراعی و باغی عجین بوده است (نوری و امینی فسخودی، 1386: 263). بر این مبنا باغداری که یکی از شاخه‌های بخش کشاورزی است، از این اصل مستثنی نیست به طوری که بعضی از مناطق و نواحی با توجه به شرایط ویژه در تولید محصول خاصی توانمند گشته‌اند که از آن با نام الگوی کشت یاد می‌شود (تقی‌زاده‌مهدی آباد، 1387: 12).

یکی از کشت‌هایی که در بعضی از مناطق گرم و خشک ایران مانند کرمان، سمنان و خراسان رایج است، محصول باغی پسته یا طلای سبز می‌باشد. تولید پسته نه تنها روستانشینان مناطق کویری را از کار و درآمد مناسبی برخوردار می‌سازد و در حیات اقتصادی آن‌ها نقش عمده‌ای دارد، بلکه افزایش تولید و صادرات آن، درآمدهای ارزی قابل اطمینانی را از طریق توسعه صادرات غیرنفتی برای کشور تامین می‌نماید (آخوندی و دیگران، 1386: 369). به تبع شکل‌گیری الگوهای کشت در هر منطقه که متاثر از فرآیندهای طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در طول زمان و مکان‌های مختلف می‌باشد، اثرات آن در کل نظام‌های مرتبط با کشاورزی (اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی) بروز و ظهور خواهد کرد (سوادی-مالیدره، 1390: 46). در میان این آثار (اجتماعی، اقتصادی، اکولوژیکی و کالبدی) اقتصاد خانوار و آثار اقتصادی حاصل از کشت از مهم‌ترین مولفه‌های حیاتی است که تمام اهداف کشاورزان را به خود معطوف داشته است و به نوعی می‌توان گفت آثار اقتصادی حاصل از فعالیت‌های کشاورزی، از مهم‌ترین عوامل، جهت توسعه فعالیت‌های کشاورزی و شکل‌گیری الگوهای کشت در مناطق گوناگون است. توسعه کشاورزی به معنی افزایش تولید غذا، درآمد و بهره‌وری تولید است و از این رو، مهم‌ترین عامل در توسعه روستایی، توسعه کشاورزی و پیامدهای اقتصادی ناشی از آن می‌باشد؛ زیرا کشاورزی، منبع عمده درآمد و معاش اکثر قریب به اتفاق ساکنان مناطق روستایی است (Morgan et al, 2010: 119). اگر چه توسعه کشاورزی و آثار و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی حاصل از آن تابعی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و محیطی است، اما در این بین به نظر می‌رسد توسعه کشاورزی به میزان درخور توجهی تابعی از تغییر و تکامل و شناخت ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کشاورزان به منظور افزایش کارایی، اثربخشی و پایداری در این بخش باشد (افتخاری، 1388: 90). از دیدگاه علم اقتصاد کشاورزی، هر مزرعه به صورت یک واحد اقتصادی عمل می‌کند و کشاورز به عنوان مدیر مزرعه در پی حداکثرسازی سود حاصل از کشت محصول است و با در نظر گرفتن عوامل مختلف، اقدام به تصمیم‌گیری در انتخاب الگوی کشت خویش می‌کند.

نگاهی به تجربه کشورهای مختلف در زمینه کنترل عرضه محصولات کشاورزی نشان می‌دهد که عمدتاً بر نقش عامل قیمت در افزایش سطح کشت و تولید تاکید شده و کمتر به نقش ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی کشاورزان و هم‌چنین سازوکارهای حمایتی غیرقیمتی توجه شده است (همایونی فر و ملک دار، 1384: 117). بی‌توجهی به شناخت عوامل موثر در توسعه کشاورزی و ارتقای شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی حاصل از کشاورزی و عدم ارزیابی میزان تاثیر آن‌ها سبب کاهش توان کشاورزی مناطق روستایی می‌گردد و ادامه این روند سبب نابودی بخش کشاورزی و به تبع آن ناپایداری اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی خواهد شد (میرلطفی و همکاران، 1391: 96).

شهرستان دامغان در استان سمنان به عنوان منطقه مورد مطالعه به دلیل قرارگیری در شرایط آب و هوایی مناسب با کشت پسته دارای شرایط مناسبی برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی به خصوص پسته- کاری است، اما به نظر می‌رسد در شرایط حاضر، این شهرستان به اندازه کافی نتوانسته است از ظرفیت‌های موجود جهت ارتقاء و افزایش آثار اقتصادی و اجتماعی ناشی از کشت محصول پسته استفاده چندانی نماید. از مهم‌ترین عواملی که زمینه‌ساز این مسئله شده است، عدم توجه به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کشاورزان پسته‌کار در به کارگیری ابزارها، استفاده از روش‌های نوین، میزان سرمایه‌گذاری، سن و تحصیلات، سابقه کشت، شناخت آگاهی‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای مربوط به کشت و تولید پسته و عواملی از این قبیل و تاثیر آن در اثرات و عملکرد اقتصادی و اجتماعی کشت پسته در خانوارهای روستایی منطقه می‌باشد.

میزان تولید پسته در ایران بر اساس آمارنامه کشاورزی سال زراعی 81-82، 307036 تن بوده است که استان سمنان با 1/51 درصد سهم در تولید این محصول، مقام پنجم در کل کشور را بعد از استان‌های کرمان، یزد، خراسان (قبل از تفکیک به سه استان کنونی) و فارس را به خود اختصاص داده است. بر اساس نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی سال 1382، مقدار تولید پسته در استان سمنان 4636 تن بوده است که شهرستان دامغان با 3279 تن تولید پسته در بین شهرهای استان سمنان مقام اول را دارا است. پسته به عنوان پردرآمدترین محصول باغی شهرستان دامغان به طور عمده در بخش شرقی شهرستان دامغان کشت می‌شود که دهستان دامنکوه نیز در این قسمت قرار دارد. در سال 1382، سطح کاشت ساده پسته در استان سمنان 8540 هکتار می‌باشد که 6906 هکتار آن مربوط به شهرستان دامغان است. میزان سطح کاشت ساده پسته در دهستان دامنکوه 939 هکتار و میزان تولید پسته 962 تن بوده است.

با توجه به ارزش اقتصادی بالای پسته و سودآور بودن آن در منطقه دامغان به علت شرایط اکولوژیکی لازم برای پسته و هم‌چنین از آن جایی که کشت این محصول در سطح خرد و کلان، با توجه به وسعت و شدت آن می‌تواند پیامدهای متعدد اقتصادی و اجتماعی به دنبال داشته باشد و هم‌چنین تاثیرپذیری

آثار اقتصادی و اجتماعی کشت پسته از عواملی مانند ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کشاورزان پسته‌کار، این تحقیق در پی آن است که به بررسی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی کشت پسته در منطقه مورد مطالعه بپردازد و سپس نقش ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کشاورزان پسته‌کار را بر آثار اقتصادی و اجتماعی کشت پسته، مورد سنجش و بررسی قرار دهد.

## ۲) مبانی نظری

قبل از پرداختن به بنیان‌های نظری تحقیق، مرور مطالعات پیشین جهت مرور نتایج ضروری است. در خصوص موضوع مورد مطالعه، تحقیقات متعددی وجود دارد که می‌توان به آن‌ها استناد کرد، در ذیل به چند نمونه از مطالعات داخلی و خارجی اشاره می‌شود:

جدول شماره (۱): مطالعات صورت گرفته در راستای تحقیق

عنوان	نشریه	نویسندگان	سال	یافته‌ها
بررسی آثار اقتصادی و اجتماعی کشت پسته در استان قم	فصلنامه روستا و توسعه	عباس پورمیدانی و علی اکبر قرئلی	1382	بین سطح سواد باغداران با دارا بودن فعالیت غیر کشاورزی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. اکثر کسانی که از سطح سواد بالاتری برخوردار هستند درآمد بیشتری نیز دارند، همچنین بین اشتغال باغداران به کشت پسته و رضایت از آن، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.
اثرات اجتماعی و اقتصادی کشت پسته در توسعه روستایی شهرستان رفسنجان	پایان نامه کارشناسی ارشد (دانشگاه آزاد سمنان)	عباس تقی‌زاده‌مهدی - آبادی	1387	اثرات اقتصادی کشت پسته به صورت افزایش درآمد کشاورزی و اثرات اجتماعی کشت پسته به صورت ایجاد اشتغال مناسب و افزایش امکانات بهداشتی و رفاهی و حتی مهاجرت به مناطق شهری خود را نمایان ساخته است.
بررسی رقم میوه و زمان برداشت پسته دامغان به لحاظ زودرس بودن پسته و آلودگی به قارچ اسپرژیلوس فلاووس	Journal of food science	Amini F. Afshari H. Mohammadi Moghaddam M.	2007	آلودگی به قارچ اسپرژیلوس به لحاظ زمان برداشت در دو نوع پسته خنجر و اکبری متفاوت است، بدین صورت که در زمان برداشت پسته در 10 شهریور، کمترین میزان آلودگی و در برداشت 20 شهریور، بالاترین میزان آلودگی در این ارقام وجود دارد.
ادراک و دانش کشاورزان در زمینه مدیریت افلاتوکسین در محصول بادام هندی در هند	International journal of food science & technology	G.D.D.Kumar. M.N.Popat	2009	بین وضعیت اقتصادی، اجتماعی و روانی کشاورزان در شاخص‌های آموزش، طبقه، اندازه مزرعه، مشارکت اجتماعی، جهت گیری بازار، انگیزه‌های اقتصادی و نوآوری با دانش کشاورزان در مدیریت آلودگی افلاتوکسین در محصول بادام، رابطه معناداری وجود دارد.

منبع: مطالعات نگارندگان، 1392.

امروزه کشاورزی به عنوان پایه و اساسی در پایداری زندگی مردمان نواحی روستایی، تعیین کننده-ترین بخش در اقتصاد منطقه‌ای و در تاریخ به عنوان یک استفاده چند منظوره از منابع ( Douwe van der ploeg, 2000:509) و نیز واکنشی نیرومند در برابر شرایط بد بازار و جهت مقابله با فشارها و نیروهای جهانی شدن (Calhoun, 2004:128) بوده است (Cai et al, 2009:8910). عامل اساسی در بیشتر سیستم‌های روستایی، سیستم کشاورزی است. به این ترتیب که کشاورزی نقش مستندی در شکل و

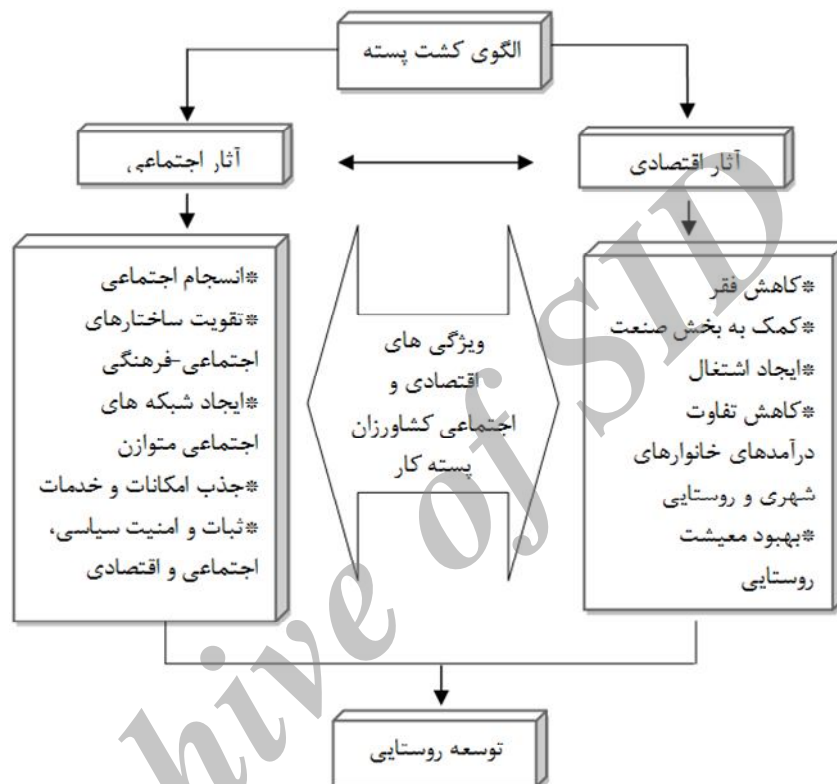
عملکرد سیستم‌های روستایی ایفا می‌کند و به دنبال آن، تاثیرات مستقیمی بر ماهیت و طبیعت سیستم‌های روستایی، به جا می‌گذارد (Troughton, 1991:150). امروزه نقش توسعه کشاورزی در توسعه روستایی را نمی‌توان نادیده گرفت. توسعه روستایی را می‌توان یک فعالیت چندبخشی و مرکب دانست که برنامه‌های توسعه کشاورزی و بهبود تسهیلات اجتماعی برای تمام روستاییان را در بر می‌گیرد. توسعه روستایی به یک بخش و در یک محدوده خاص خلاصه نمی‌شود، بنابراین توسعه باید مولفه‌های بسیاری را در برگیرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها کشاورزی است (نوری و قنبری، 1389: 64). کشاورزی با ارائه فرصت‌های شغلی و فرصت‌های تولید درآمد به عنوان ستون کاهش فقر نیروی کار روستایی نام برده می‌شود (Chaudhry, 2007: 251) و از طرف دیگر، افزایش بهره‌وری کشاورزی، باعث کاهش قیمت مواد غذایی، هم برای فقرای شهری و هم برای فقرای روستایی می‌گردد (Bezemer & Derek, 2007:1345).

کشاورزی نقش مهمی در فرآیندهای دارویی، تغذیه، نظارت سالم بیولوژیکی، زمین، آب، منابع جوی و در ادامه نقش مهمی در حفظ سلامت اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی دارد (National research council, 2003:22). به طور کل می‌توان گفت که هدف از هر دو (هم بخش کشاورزی و هم توسعه روستایی)، افزایش تولید مواد غذایی به شیوه‌ای پایدار و افزایش امنیت غذایی و بهبود معیشت در نواحی روستایی است (Shalaby et al, 2011:583). مجموعه ظرفیت‌های کشور در بخش کشاورزی موید آن است که در حوزه کشاورزی مزیت نسبی وجود دارد. از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاران در سطح کلان، دستیابی به خودکفایی و تولید بر اساس مزیت نسبی مناطق در تولید محصولات کشاورزی یا همان اجرای طرح الگوی کشت است که از نظر سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد (پیکانی، 1387: 85). سرمایه‌گذاری در تولید کالاهایی خاص و مناسب، در واقع سود و مزایایی برای روستاییان فقیر و حتی بیشتر از آن برای تولید ارز و تمرکز پول و ثروت است (Martinelli, 2011:425). محصولات کشاورزی و به طور بارز، محصول پسته از جمله زمینه‌های مستعد برای تحقق هدف فوق به شمار می‌آید (محمودزاده و زیبایی، 1383: 137). اهمیت اقتصاد کشاورزی پسته که از لحاظ ارزش، یکی از مهم‌ترین اقلام صادراتی کشور ما به شمار می‌رود، مسئله‌ای نیست که از نظر تولیدکنندگان و یا بازرگانان این محصول پوشیده باشد. صادرات محصول پسته به عنوان یک محصول استراتژیک و داشتن سهم 50، 74، 68، 25 و 7/8 درصد به ترتیب در تولید جهانی، سطح زیرکشت جهانی، ارزش صادرات پسته جهان، ارزش کل صادرات بخش کشاورزی ایران و ارزش کل صادرات غیرنفتی کشور طی سال‌های اخیر، دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشد (دستی و همکاران، 1389: 99-100). بر اساس آمار 1387 وزارت جهاد کشاورزی، سطح زیرکشت پسته حدود 431150 هکتار می‌باشد که حدود 379198 هکتار را درختان بارور و حدود 51952 هکتار را درختان نهال تشکیل می‌دهد که استان کرمان با 64/5 درصد تولید پسته کشور، مقام نخست و استان‌های خراسان، یزد، سمنان و فارس به ترتیب در ردیف‌های بعدی قرار دارد.

به لحاظ اقتصادی، عرضه فراوان محصولات کشاورزی، بهبود معیشت روستایی، کاهش بار مالی کشاورزان (valdes & foster, 2010:1364)، افزایش درآمد کشاورزان، کمک به بخش صنعت، کاهش تفاوت درآمد خانوارهای شهری و روستایی، خلق فرصت‌های شغلی جدید و افزایش ظرفیت توسعه چند بعدی در مناطق روستایی از اثرات الگوی کشت، بالاخص الگوی کشت پسته در مناطق روستایی گرم و خشک می‌باشد که جهت حمایت از تولیدات کشاورزی، افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های روستایی و هم‌چنین افزایش هماهنگی میان اهداف توسعه شهری و روستایی از اهداف سرمایه‌گذاری‌های آتی در مناطق روستایی می‌باشد (بزرگ‌نیا، 1388: 46). به لحاظ اجتماعی، کشاورزی و الگوهای کشت، عاملی تعیین‌کننده در حفظ انسجام اجتماعی و تقویت ساختار اجتماعی - فرهنگی روستا و ایجاد شبکه‌های اجتماعی مختص روستاییان و کشاورزان (Mahesh, 1999)، جذب امکانات و خدمات (نوری زمان آبادی و امینی فسخودی، 1386: 256) و در نهایت، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پارامتر برای ثبات و امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در روستا به شمار می‌رود (منصوری، 1386: 49). در این بین با توجه به اثرات متعدد اقتصادی و اجتماعی، کشاورزان و تولیدکنندگان در تحقق الگوی کشت مناسب، نقشی اساسی دارند (الگوی کشت در کشاورزی پایدار، 1388: 8). کم و کیف فعالیت کشاورزان پسته‌کار در جریان کشت و تولید، تابعی از خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و محیطی است؛ به گونه‌ای که افرادی با ویژگی‌های مختلف، عکس‌العملی متفاوت نسبت به شرایط از خود بروز می‌دهند (خانی، 1375: 194). تا به امروز توجه کمی به تفاوت ویژگی‌ها و خصوصیات بین کشاورزان شده است. حال این تفاوت، در سطوح دسترسی و وضعیت‌ها و یا شرایط و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی کشاورزان باشد (Place et al, 2006: 313). طراحی و اجرای الگوی بهینه کشت در قالب برنامه‌ای مشخص، در سال‌های متوالی در بسیاری از کشورهای جهان به کار گرفته شده و به کمک آن، بسیاری از مشکلات تولید محصولات زراعی، باغی و مرتعی نیز مرتفع شده است. در ایران نیز اصلاح الگوی کشت موجود و یا تدوین و اجرای الگوی کشت بهینه یک منطقه، همواره مستلزم بررسی‌های گسترده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هم‌چنین آموزش‌ها، تغییر نگرش‌ها و ایجاد باورهای صحیح در میان کشاورزان بوده است (بزرگ‌نیا، 1388: 46).

بسیاری از مطالعات منطقه‌ای با وجود این که ممکن است اصلاحات مناسبی را در الگوی کشت آن پیشنهاد نموده باشند، ولی به دلیل در نظر نگرفتن بسیاری از عوامل، مانند نبود اهرم‌های تشویقی و تنبیهی، در نظر نگرفتن کشش بازار، عدم بررسی‌های ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی (از جمله ویژگی‌های کشاورزان) اجرایی نشده و به ورطه فراموشی سپرده شده است (همان منبع، 47). به این منظور، آن چنان که در مبانی نظری تحقیق، نیز به آن تصریح شد، انتظار می‌رود هر فعالیت کشاورزی کارآمد با بهره‌وری بالا در صورت برخورداری از مزیت‌های نسبی مناسب و هم‌چنین در نظر گرفتن عوامل دخیل در آثار به جا مانده از فعالیت‌های کشاورزی، به خصوص در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های کشاورزان،

بتواند در شاخص‌های توسعه روستایی به ویژه کاهش فقر، موثر واقع شود. به این ترتیب، مدل مفهومی تحقیق، بر اثر بخشی الگوی کشت پسته به عنوان یک عامل تغییر در فرآیند توسعه روستایی در قالب آثار اقتصادی و اجتماعی کشت پسته و هم چنین تاثیرپذیری این آثار از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کشاورزان پسته‌کار (آن چنان که شکل 1 نشان می‌دهد) صورت‌بندی شده است.



شکل شماره (۱): مدل مفهومی تحقیق

### ۳) روش تحقیق

در تحقیق حاضر، به منظور تحلیل اثرات کشت پسته (متغیر مستقل) در توسعه روستایی (متغیر وابسته)، جهت بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته از شاخص‌های اقتصادی رفاه اقتصادی (نظیر نوع مسکن، مالکیت وسیله نقلیه و میزان تعداد دفعات مسافرت خانواده)، امنیت اقتصادی (نظیر میزان نوسان قیمت و کاهش درآمد و میزان حمایت بانک‌ها از طریق پرداخت وام) و کیفیت اشتغال (رضایت از درآمد، پس‌انداز و تنوع شغلی) و هم چنین شاخص‌های اجتماعی مشارکت اجتماعی - سیاسی (مشارکت مالی برای عمران روستایی، مشارکت مشورتی با شورا و دهیاری، مشارکت با دیگر کشاورزان و جهت حل مشکلات پسته‌کاران) و شاخص سرمایه اجتماعی که خود این شاخص به چهار قسمت آموزش - های حرفه‌ای، آگاهی‌های حرفه‌ای و مهارت‌های حرفه‌ای مربوط به کشت و تولید پسته و تعلق مکانی و تولیدی تقسیم شده، استفاده شده است. سپس گویه‌هایی در قالب هر چهار قسمت مطرح گردیده است.

در قسمت بعدی، جهت بررسی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کشاورزان پسته‌کار از شاخص‌هایی نظیر سن، میزان تحصیلات، انگیزه فعالیت، سابقه کشت و استفاده از اعتبارات بانکی استفاده شده است. روش انجام تحقیق، به صورت توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری در این پژوهش، روستائیان دهستان دامنکوه شهرستان دامغان می‌باشد که به فعالیت باغداری (پسته‌کاری) اشتغال دارند. بر طبق تقسیمات کشوری شهرستان دامغان در سال 1385، دهستان دامنکوه دارای 51 آبادی می‌باشد که 17 آبادی، دارای سکنه و 34 آبادی خالی از سکنه می‌باشد. در ابتدا جهت تعیین حجم روستاهای نمونه، بر اساس شاخص میزان تولید و سطح زیرکشت، 9 روستا یعنی جمعیتی معادل 1048 خانوار انتخاب شدند که بر اساس فرمول کوکران، 318 خانوار پسته‌کار به عنوان جمعیت نمونه انتخاب گردید (جدول 2) و از طریق روش نظرسنجی، آثار اقتصادی و اجتماعی کشت پسته و هم‌چنین ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی تاثیرگذار بر اثرات کشت پسته، در سطح بهره‌برداران مورد مطالعه قرار گرفت. واحد تحلیل، خانوار و در سطح روستا بوده است. داده‌های حاصل از پرسش‌نامه، پس از کدگذاری و ورود به نرم افزار SPSS آزمون شده است.

جدول شماره (۲): جمعیت، تعداد بهره‌برداران و میزان تولید پسته در روستاهای مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵

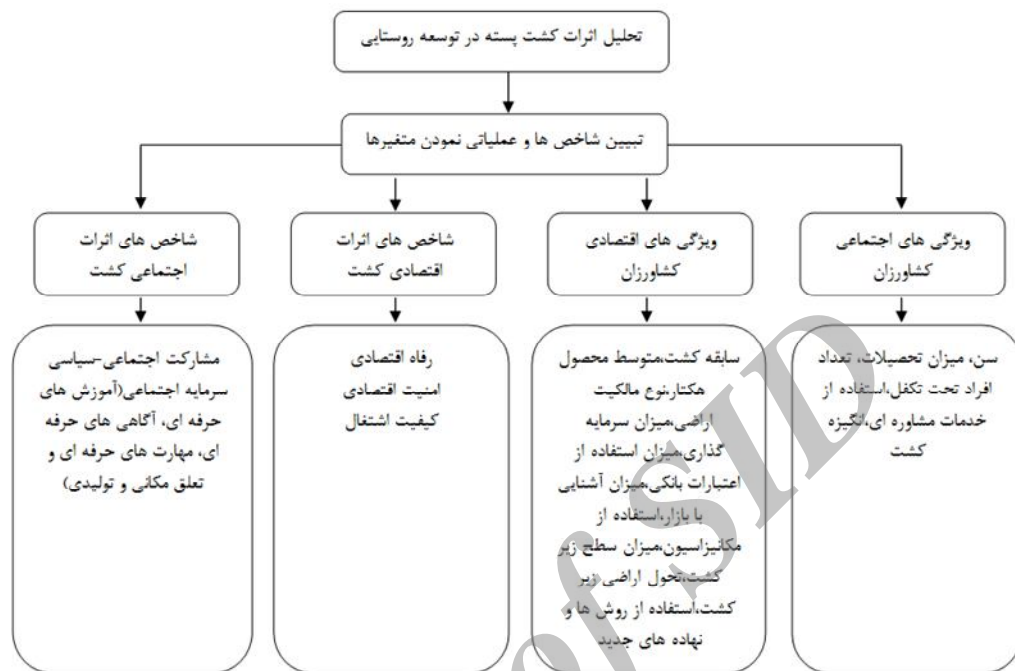
روستا	جمعیت	تعداد خانوار	بهره برداری	تولید (تن)
زرین آباد	288	98	154	200
مومن آباد	550	159	193	182
حسین آباد دولاب	338	113	102	156
کلاته ملا	517	164	145	99
نعیم آباد	155	62	135	65
امام آباد	207	68	113	63
حداده	243	82	117	57
قادرآباد	94	38	61	32
مهماندوست	937	264	180	26

منبع: واحد اطلاع رسانی مرکز آمار، 1385.

به این منظور، جهت بررسی میانگین تفاوت اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته از آزمون  $t$  برای دو گروه مستقل و در مرحله بعدی، جهت بررسی رابطه بین ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کشاورزان پسته‌کار و اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته از سنجش‌های پیوند تاوایی کندال و فی و وی‌کرامر استفاده شده است. شاخص‌های سنجش شده، در چهار محور اثرات اقتصادی کشت پسته، اثرات اجتماعی کشت پسته، ویژگی‌های اقتصادی پسته‌کاران و ویژگی‌های اجتماعی پسته‌کاران می‌باشد که برای سنجش، از هر یک از شاخص‌های مرتبط با شکل 2 استفاده شده است. افزون بر این‌ها، به منظور سنجش

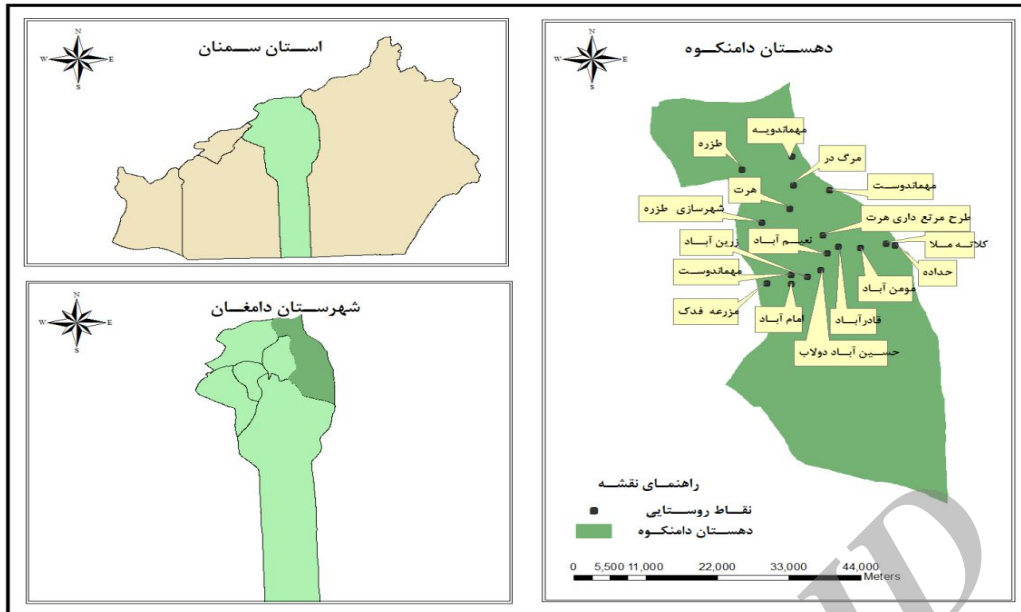


پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است که میزان آلفای کرونباخ به دست آمده برابر 0/848 می‌باشد.



شکل شماره (۲): شاخص‌های سنجش شده در فرآیند تحقیق

شهرستان دامغان (شکل 3) در سال 1389 با مساحت 14027 کیلومتر مربع با برآورد جمعیت 88910 نفر از طرف شمال به استان‌های گلستان و مازندران و از طرف جنوب به استان اصفهان و از طرف شرق به شهرستان شاهرود و از غرب به شهرستان‌های سمنان و مهدیشهر منتهی می‌شود. دهستان دامنگوه در شرق شهرستان دامغان، به عنوان منطقه مورد مطالعه با وسعتی معادل 4550 کیلومتر مربع در حدود 37 درصد از مساحت کل شهرستان دامغان را به خود اختصاص داده است (شهرداری دامغان). مساحت دهستان دامنگوه بر اساس سرشماری سال 1389 استان سمنان، 1745 کیلومتر مربع می‌باشد. هم چنین جمعیت دهستان در سال 1389، 5922 نفر و دارای 17 روستای دارای سکنه بوده است (مرکز خدمات جهاد کشاورزی دهستان دامنگوه).



شکل شماره (۳): موقعیت دهستان دامنکوه در شهرستان دامغان

#### ۴) یافته‌های تحقیق

در ابتدا به بررسی آثار اقتصادی و اجتماعی کشت پسته و میانگین تفاوت بین آثار اقتصادی و اجتماعی کشت پسته در منطقه مورد مطالعه پرداخته شده است. بدین منظور، به هر یک از مولفه‌های اقتصادی و اجتماعی کشت پسته با روش رتبه‌بندی عکس‌پذیری رتبه‌ای، بر حسب اولویت آن‌ها از طریق رتبه‌بندی مستقیم، رتبه‌ای تعلق گرفته است که در آن نمره 1 معرف بیشترین اهمیت، نمره 2، بیانگر اهمیت درجه دو و الی آخر. سپس از طریق این رتبه‌ها، وزن غیراستاندارد و در آخر وزن استاندارد محاسبه شده است. در مرحله آخر، وزن استاندارد که به هر یک از مولفه‌ها تعلق گرفته است، به صورت مساوی در بین گویه‌های هر مولفه تقسیم گردید. در جدول 3، وزنی که به هر یک از مولفه‌ها اختصاص یافته است و هم چنین مقدار وزنی گویه‌ها نشان داده شده است.

جدول شماره (۳): رتبه‌بندی مولفه‌ها و وزن گویه‌های اقتصادی و اجتماعی بر اساس عکس‌پذیری رتبه‌ای

وزن گویه‌ها	تعداد گویه	وزن استاندارد شاخص	اولویت	شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی
0/041	9	0/370	1	رفاه اقتصادی
0/020	9	0/184	2	امنیت اقتصادی
0/024	5	0/122	3	کیفیت اشتغال
0/013	7	0/092	4	سرمایه اجتماعی (آگاهی‌های حرفه‌ای)
0/014	5	0/073	5	سرمایه اجتماعی (مهارت‌های حرفه‌ای)
0/010	6	0/061	6	مشارکت اجتماعی - سیاسی
0/026	2	0/052	7	سرمایه اجتماعی (آموزش‌های حرفه‌ای)
0/011	4	0/046	8	سرمایه اجتماعی (تعلق مکانی و تولیدی)

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

پس از رتبه‌بندی مولفه‌ها و وزندهی به آن‌ها، از آزمون  $t$  جهت بررسی تفاوت میانگین دو گروه مستقل استفاده شده است. همان طور که در جدول 4 مشاهده می‌شود، میانگین اثرات اقتصادی کشت پسته (برابر 0/029) بیشتر از میانگین اثرات اجتماعی کشت پسته (0/013) بوده است. از آن جایی که مقدار sig کمتر از آلفا 0/05 بوده، می‌توان گفت اثرات اقتصادی، نسبت به اثرات اجتماعی کشت پسته در منطقه مورد مطالعه، بیشتر بوده است.

جدول شماره (۴): خروجی آزمون  $t$  مستقل جهت بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته

Sig	t	آماره	میانگین	شاخص
.000	6/908		0/029	اثرات اقتصادی کشت پسته
			0/013	اثرات اجتماعی کشت پسته

در این مرحله، جهت سنجش ارتباط میان ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی پسته‌کاران و اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته، تعداد 10 شاخص در ویژگی‌های اقتصادی پسته‌کاران و 5 شاخص در ویژگی‌های اجتماعی پسته‌کاران، مورد استفاده قرار گرفته است که با توجه به نوع مقیاس داده‌ها از سنج‌های پیوند فی و وی کرامر و تاوایی کندال در نرم افزار SPSS استفاده شده است. همان طور که در جداول 5 و 6 مشاهده می‌شود، ارتباط بین ویژگی‌های اقتصادی کشاورزان پسته‌کار و اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته با استفاده از سنج‌های پیوند، مورد آزمون قرار گرفته است. لازم به ذکر است خانه‌هایی که با رنگ تیره مشخص شده‌اند، متغیرهای با سطح معناداری کمتر از آلفا 0/05 است که نشان دهنده وجود ارتباط بین ویژگی‌های اقتصادی کشاورزان و اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده از سنج‌های پیوند، رابطه بین ویژگی‌های اقتصادی کشاورزان و اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته، به شرح زیر بوده است:

- بین سابقه کشت پسته با متغیرهای نوع مسکن، قدمت مسکن، مصرف گوشت قرمز و سفید، امنیت اقتصادی، آموزش، آگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای، رابطه معنادار مستقیم ناقص وجود دارد، یعنی با افزایش سابقه کشت، متغیرهای فوق از روندی افزایشی برخوردار شده‌اند.
- بین میزان سطح زیرکشت پسته با متغیرهای نوع مسکن، اندازه واحد مسکونی، مالکیت وسیله نقلیه، میزان مصرف گوشت قرمز، کیفیت اشتغال، امنیت اقتصادی، مشارکت، آموزش و مهارت‌های حرفه‌ای و تعلق مکانی و تولیدی رابطه معنادار مستقیم ناقص وجود دارد. در مقابل، بین میزان سطح زیر کشت پسته با متغیر مالکیت کالاهای مصرفی بادوام، رابطه معنادار معکوس ناقص وجود دارد، یعنی با افزایش میزان سطح زیرکشت پسته‌کاران، متغیر فوق از روندی نزولی برخوردار شده است.

- بین متغیر تحول اراضی زیرکشت با متغیرهای نوع مسکن، کیفیت مسکن، قدمت مسکن، مالکیت وسیله نقلیه، مالکیت کالاهای مصرفی بادوام، میزان مصرف گوشت قرمز و سفید، کیفیت اشتغال، مشارکت، آموزش، آگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای و تعلق مکانی و تولیدی رابطه معناداری وجود دارد.
  - بین نوع مالکیت اراضی با متغیرهای اندازه واحد مسکونی، میزان دفعات مسافرت خانواده، مالکیت وسیله نقلیه و میزان مصرف گوشت قرمز و سفید رابطه معناداری وجود دارد.
  - بین عملکرد محصول در هکتار با متغیرهای مالکیت وسیله نقلیه، امنیت اقتصادی، مشارکت و آموزش‌های حرفه‌ای، رابطه معنادار مستقیم ناقص وجود دارد.
  - بین میزان سرمایه‌گذاری پسته کاران با متغیرهای نوع مسکن، مشارکت، مهارت‌های حرفه‌ای و تعلق مکانی و تولیدی، رابطه معنادار مستقیم ناقص وجود دارد.
  - بین میزان استفاده از مکانیزاسیون با متغیرهای نوع مسکن، کیفیت مسکن، قدمت مسکن، مالکیت وسیله نقلیه، مالکیت کالاهای مصرفی بادوام، کیفیت اشتغال، مشارکت، آموزش، آگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای و تعلق مکانی و تولیدی، رابطه معنادار مستقیم ناقص وجود دارد.
  - بین متغیر استفاده از روش‌ها و نهاده‌های جدید با متغیرهای کیفیت اشتغال، امنیت اقتصادی، آموزش، آگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای و تعلق مکانی و تولیدی، رابطه معنادار مستقیم ناقص وجود دارد.
  - بین میزان آشنایی با بازار با متغیرهای قدمت مسکن، اندازه واحد مسکونی، میزان دفعات مسافرت خانواده، میزان مصرف گوشت قرمز و سفید، کیفیت اشتغال، امنیت اقتصادی، مشارکت، آموزش، آگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای و تعلق مکانی و تولیدی، رابطه معنادار مستقیم ناقص وجود دارد.
  - بین استفاده از اعتبارات بانکی با متغیرهای نوع مسکن، قدمت مسکن، مالکیت وسیله نقلیه، میزان مصرف گوشت قرمز، کیفیت اشتغال، آموزش، آگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای، رابطه معنادار مستقیم ناقص وجود دارد.
- با توجه به نتایج به دست آمده، در بررسی ویژگی‌های اقتصادی کشاورزان پسته‌کار و تاثیرات آن بر اثرات حاصل از کشت، بیشترین میزان رابطه و همبستگی در متغیرهای میزان آشنایی با بازار و تحول اراضی زیرکشت پسته‌کاران و اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته وجود دارد؛ بدین معنی که با ارتقاء و افزایش ویژگی‌های آشنایی با بازار و تحول اراضی زیرکشت پسته‌کاران، اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته در منطقه از روندی افزایشی برخوردار شده است. در مقابل، کمترین میزان رابطه و همبستگی در ویژگی‌های عملکرد محصول در هکتار، میزان سرمایه‌گذاری و استفاده از روش‌ها و نهاده‌های جدید و اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته وجود دارد، بدین معنی که افزایش و ارتقاء ویژگی‌

های فوق در پسته‌کاران، تاثیر چندانی در افزایش اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته در منطقه مورد مطالعه نداشته است.

جدول شماره (۵): رابطه بین ویژگی‌های اقتصادی کشاورزان و اثرات اقتصادی کشت پسته بر اساس سنجه‌های پیوند فی و وی کرامر و تاو بی کندال

میزان همبستگی (ضریب همبستگی)	نوع مسکن	کیفیت مسکن	قدمت مسکن	اندازه واحد مسکونی	میزان دفعات مسافرت خانواده	مالکیت وسیله نقلیه	مالکیت کالاهای مصرفی بادوام	مصرف گوشت قرمز	مصرف گوشت سفید	کیفیت اشتغال اقتصادی	امنیت اقتصادی
سابقه کشت	۰/۰۰۳**	۰/۱۱۹	۰/۳۲۱**	۰/۱۵۷	۰/۱۰	۰/۰۲۱	۰/۰۲۵	۰/۰۹۶*	-۰/۰۴۰	۰/۱۶۱**	
سطح زیر کشت	۰/۱۳۳**	۰/۰۳۲	-۰/۰۲۷	۰/۲۹۰**	۰/۰۲۰	۰/۱۸۸**	-۰/۰۱۳*	۰/۰۶۴	۰/۱۲۰*	۰/۱۶۵**	
نوع مالکیت اراضی	۰/۹۶۲	۰/۱۹۸	۰/۵۵۴	۰/۰۰۷	۰/۰۱۴	۰/۰۴۱	۰/۰۹۷	۰/۰۰۲	۰/۱۸۴	۰/۴۲۲	
میزان سرمایه گذاری	۰/۱۱۵*	۰/۰۵۴	۰/۰۴۴	۰/۰۵۰	۰/۰۱۴	۰/۰۴۱	۰/۰۲۲	۰/۰۷۷	۰/۰۹۳*	۰/۰۵۸	
استفاده از اعتبارات بانکی	۰/۱۸۳**	۰/۰۹۰	۰/۱۰۳**	۰/۰۳۶	-۰/۰۲۶	۰/۱۰۴*	-۰/۰۸۲	۰/۰۴۲	۰/۱۲۹*	۰/۰۲۸	
استفاده از روش و نهاده جدید	-۰/۰۸۳	-۰/۰۷۶	-۰/۰۸۶	۰/۰۹۵	۰/۰۳۴	۰/۰۰۱	۰/۰۴۲	۰/۰۰۲	-۰/۰۷۰	۰/۲۱۷**	
میزان آشنایی با بازار	۰/۰۷۹	۰/۰۲۴	۰/۱۳۴**	۰/۰۳۳**	۰/۱۵۱**	۰/۰۴۸	۰/۰۲۴	۰/۰۹۷**	۰/۲۱۳**	۰/۳۷۰**	
تحول اراضی زیر کشت	۰/۰۰۱	۰/۰۲۷	۰/۰۲۱	۰/۴۵۲	۰/۸۳۱	۰/۰۱۹	۰/۰۴۵	۰/۳۸۶	۰/۰۳۱	۰/۰۰۱	۰/۰۹۰
عملکرد محصول در هکتار	۰/۰۰۲	۰/۰۹۲	-۰/۰۴۲	۰/۰۷۵	۰/۰۸۷	۰/۱۴۰**	۰/۰۳۸	۰/۰۶۴	۰/۰۵۸	۰/۰۳۲	۰/۱۰۳*
استفاده از مکانیزاسیون	۰/۱۲۰*	۰/۱۴۳**	۰/۱۰۸*	۰/۰۶۴	-۰/۰۵۶	۰/۱۲۴*	۰/۰۱۹**	-۰/۰۱۲	-۰/۰۱۰	۰/۲۱۷**	۰/۰۴۶

\* سطح معناداری یک درصد \* سطح معناداری پنج درصد - علامت - : رابطه معنادار معکوس ناقص  
منبع: بررسی محققان، 1392.

جدول شماره (۶): رابطه بین ویژگی‌های اقتصادی کشاورزان و اثرات اجتماعی کشت پسته بر اساس سنجه‌های پیوند فی و وی کرامر و تاو بی کندال

میزان همبستگی (ضریب همبستگی)	مشارکت اجتماعی-سیاسی	آموزش‌های حرفه‌ای	آگاهی‌های حرفه‌ای	مهارت‌های حرفه‌ای	تعلق مکانی و تولیدی
سابقه کشت	۰/۰۵۳	۰/۱۵۴**	-۰/۰۱*	-۰/۲۲۳**	-۰/۰۷۳
سطح زیر کشت	۰/۱۰۵*	۰/۱۵۸**	۰/۰۸۲	۰/۲۷۰**	۰/۱۴۸**
نوع مالکیت اراضی	۰/۲۹۵	-۰/۴۲۳	-۰/۸۱۹	-۰/۵۰۱	-۰/۴۵۸
میزان سرمایه گذاری	۰/۱۱۸*	-۰/۱۱۷**	-۰/۰۸۸	-۰/۲۱۱**	-۰/۰۸۸**
استفاده از اعتبارات بانکی	۰/۰۸۴	-۰/۱۳۱*	-۰/۱۱۱*	-۰/۱۱۴**	-۰/۰۹۱
استفاده از روش و نهاده جدید	۰/۰۹۶	۰/۱۱۵*	-۰/۱۸۰**	-۰/۱۷۹**	-۰/۱۳۱*
میزان آشنایی با بازار	۰/۱۰۱*	۰/۳۵۸**	۰/۱۸۶**	۰/۳۰۳**	۰/۳۳۳**
تحول اراضی زیر کشت	۰/۰۳۲	-۰/۰۵۷	-۰/۰۱۸	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱
عملکرد محصول در هکتار	۰/۱۳۳**	۰/۱۴۲**	-۰/۰۷۵	۰/۰۷۸	۰/۰۶۵
استفاده از مکانیزاسیون	-۰/۱۳۸**	-۰/۱۲۰*	-۰/۱۸۲**	-۰/۱۳۶**	-۰/۱۸۲**

\* سطح معناداری یک درصد \* سطح معناداری پنج درصد - علامت - : رابطه معنادار معکوس ناقص  
منبع: بررسی محققان، 1392.

پس از بررسی ویژگی‌های اقتصادی کشاورزان پسته‌کار، در این قسمت، رابطه بین ویژگی‌های اجتماعی کشاورزان و اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته مورد سنجش قرار گرفته است. بر طبق جداول 7 و 8، نتایج به دست آمده به شرح زیر است:

- بین متغیر سن کشاورزان با متغیرهای نوع مسکن، قدمت مسکن، اندازه واحد مسکونی، میزان مصرف گوشت قرمز و سفید، امنیت اقتصادی، آموزش و مهارت‌های حرفه‌ای، رابطه معنادار مستقیم ناقص وجود دارد، یعنی با افزایش سن کشاورزان، متغیرهای فوق از روندی افزایشی برخوردار شده‌اند.
- بین میزان تحصیلات با متغیرهای نوع مسکن، کیفیت مسکن، قدمت مسکن، اندازه واحد مسکونی، مالکیت وسیله نقلیه، میزان مصرف گوشت سفید، مشارکت و مهارت‌های حرفه‌ای، رابطه معنادار مستقیم ناقص وجود دارد.
- بین تعداد افراد تحت تکفل با متغیرهای میزان دفعات مسافرت خانواده، آموزش و مهارت‌های حرفه‌ای، رابطه معنادار مستقیم ناقص وجود دارد، یعنی با افزایش تعداد افراد تحت تکفل پسته‌کاران، متغیرهای فوق از روندی افزایشی برخوردار شده است. در حالی که بین تعداد افراد تحت تکفل کشاورزان پسته‌کاران با متغیرهای امنیت اقتصادی و مالکیت کالاهای مصرفی بادوام، رابطه معنادار معکوس ناقص وجود دارد، یعنی با افزایش تعداد افراد تحت تکفل کشاورزان پسته‌کار، متغیرهای فوق دارای روندی نزولی بوده است.
- بین انگیزه فعالیت کشاورزان پسته‌کار و متغیرهای نوع مسکن، کیفیت مسکن، قدمت مسکن، مالکیت کالاهای مصرفی بادوام، میزان مصرف گوشت قرمز، کیفیت اشتغال، امنیت اقتصادی، آموزش و مهارت‌های حرفه‌ای رابطه معناداری وجود دارد.
- بین ویژگی استفاده از خدمات مشاوره‌ای پسته‌کاران و متغیرهای کیفیت مسکن، مشارکت، آموزش و مهارت‌های حرفه‌ای و هم چنین تعلق مکانی و تولیدی رابطه معناداری وجود دارد.
- در بررسی ویژگی‌های اجتماعی پسته‌کاران و تاثیرات آن بر اثرات حاصل از کشت، بیشترین میزان رابطه و همبستگی در متغیرهای سن و انگیزه فعالیت پسته‌کاران و اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته وجود دارد. بدین معنی که با ارتقاء و افزایش سن و هم چنین انگیزه فعالیت پسته‌کاران، اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته در منطقه از روندی صعودی و افزایشی برخوردار شده است. در مقابل، کمترین میزان رابطه و همبستگی در ویژگی اجتماعی تعداد افراد تحت تکفل پسته‌کاران و اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته وجود دارد، یعنی افزایش تعداد افراد تحت تکفل پسته‌کاران، تاثیر چندانی در افزایش و ارتقاء اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته در منطقه مورد مطالعه نداشته است. نتایج به دست آمده، نشان دهنده وجود رابطه بین ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کشاورزان پسته-کاران و اثرات اقتصادی و اجتماعی حاصل از کشت پسته در منطقه مورد مطالعه می‌باشد.

جدول شماره ۷: ارتباطسنجی بین ویژگی‌های اقتصادی کشاورزان و اثرات اقتصادی کشت پسته

میزان همبستگی (ضریب همبستگی)	نوع مسکن	کیفیت مسکن	قدمت مسکن	اندازه واحد مسکونی	میزان دفعات مسافرت خانواده	مالکیت وسیله نقلیه	مالکیت کالاهای مصرفی	مصرف گوشت قرمز	مصرف گوشت سفید	کیفیت اشتغال	امنیت اقتصادی
سن	۰/۱۹۹**	۰/۱۷۶**	۰/۲۸۰**	۰/۱۴۰**	۰/۰۲۳	۰/۰۳۸	۰/۰۱۰	۰/۰۸۶*	۰/۱۱۵**	۰/۰۷۱	۰/۰۸۷**
میزان تحصیلات	۰/۲۸۷**	۰/۲۱۸**	۰/۳۷۱**	۰/۲۰۰**	۰/۰۵۶	۰/۱۰۰*	۰/۰۶۲	۰/۰۱۳	۰/۰۱۰*	۰/۰۲۵	۰/۱۴۷**
تعداد افراد تحت تکفل	-۰/۰۲۹	-۰/۰۷۷	-۰/۰۳۳	۰/۰۲۵	۰/۰۹۰*	۰/۰۷۷	-۰/۱۴۰**	۰/۰۲۴	۰/۰۱۷	-۰/۰۱۱	-۰/۱۱۷*
انگیزه فعالیت	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰	۰/۳۳۸	۰/۱۷۰	۰/۷۴۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۶۸۵	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲
استفاده از خدمات مشاوره‌ای	۰/۷۰۸	۰/۰۵۸	۰/۹۸۹	۰/۶۹۰	۰/۲۰۷	۰/۷۶۴	۰/۳۲۵	۰/۲۰۶	۰/۴۲۰	۰/۰۲۴	۰/۱۵۸

\*\* سطح معناداری یک درصد \* سطح معناداری پنج درصد علامت - : رابطه معنادار معکوس ناقص  
منبع: بررسی محققان، 1392.

جدول شماره ۸(ا): ارتباطسنجی بین ویژگی‌های اجتماعی کشاورزان و اثرات اجتماعی کشت پسته

شاخص	مشارکت اجتماعی-سیاسی	آموزش‌های حرفه‌ای	آگاهی‌های حرفه‌ای	مهارت‌های حرفه‌ای	تعلق مکانی و تولیدی
سن	۰/۰۲۰	۰/۰۹۳**	۰/۰۶۷	۰/۱۶۷**	-۰/۰۰۴
میزان تحصیلات	۰/۰۰۴	۰/۰۷۳	۰/۰۴۶	۰/۱۲۰**	-۰/۰۶۳
تعداد افراد تحت تکفل	۰/۰۲۴	۰/۱۰۹	۰/۰۲۳	۰/۱۱۶	۰/۰۲۵
انگیزه فعالیت	۰/۱۴۷	۰/۰۰۵	۰/۰۸۲	۰/۰۴۴	۰/۰۸۵
استفاده از خدمات مشاوره‌ای	۰/۰۰۵	۰/۰۳۱	۰/۳۴۸	۰/۰۰۱	۰/۰۱۸

\*\* سطح معناداری یک درصد \* سطح معناداری پنج درصد علامت - : رابطه معنادار معکوس ناقص  
منبع: بررسی محققان، 1392.

## ۵) نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، اثرات اقتصادی و اجتماعی حاصل از کشت پسته را در قالب 47 گویه و هم چنین تاثیرپذیری این آثار از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کشاورزان پسته کار را در قالب 28 گویه در منطقه دامغان، مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. با توجه به این که تحلیل‌های آماری، بیشتر بودن اثرات اقتصادی از قبیل رفاه اقتصادی، امنیت اقتصادی و کیفیت اشتغال، نسبت به اثرات اجتماعی کشت پسته از قبیل مشارکت اجتماعی-سیاسی و سرمایه اجتماعی در چهار بخش آموزش، آگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای مربوط به فرآیند کشت و تولید پسته و هم چنین تعلق مکانی و تولیدی پسته‌کاران را به اثبات رسانده است؛ می‌توان گفت شکل‌گیری و توسعه الگوی کشت پسته در منطقه دامغان، بیشتر ناشی از ویژگی‌های اقتصادی‌ای نظیر بالا بودن درآمد و ارزش افزوده ایجاد شده توسط این محصول در واحد سطح نسبت به محصولات دیگر، بالا رفتن میزان رفاه اقتصادی و خلق فرصت‌های شغلی جدید در منطقه بوده است. تاثیرات اجتماعی ناشی از توسعه کشت پسته در منطقه شامل بالا رفتن میزان مشارکت،

آموزش، آگاهی‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای پسته‌کاران در روستاهای دهستان دامنکوه را به نوعی می‌توان اقدامات اولیه و پیش زمینه‌ای در جهت بالا بردن آثار اقتصادی کشت پسته در منطقه دانست. حتی در مورد اثر اجتماعی تعلق مکانی و ماندگاری در روستا، می‌توان گفت که بسیاری از کشاورزان پسته کار منطقه پس از مهاجرت به شهر، کار کشت و تولید پسته را رها نکرده‌اند که این مسئله، نشان دهنده بیشتر بودن اثرات اقتصادی، نسبت به اثرات اجتماعی کشت پسته می‌باشد. به علاوه، با توجه به نتایج حاصل از تحلیل همبستگی بین ویژگی‌های کشاورزان و آثار کشت پسته در منطقه، می‌توان اظهار داشت که پسته‌کارانی که: (1) مسن‌تر هستند؛ (2) سابقه کشت بیشتری دارند؛ (3) از سطح زیر کشت و تولید بالاتری برخوردار هستند؛ (4) میزان سرمایه‌گذاری بیشتری دارند؛ (5) نوع مالکیت اراضی آن‌ها، شخصی و یا خصوصی است؛ (6) از مکانیزاسیون، نهاده‌ها و روش‌های جدید در باغ خود استفاده کرده‌اند؛ (7) با بازارهای فروش محلی و منطقه‌ای بیشتر آشنا هستند؛ (8) از اعتبارات بانکی بیشتری جهت توسعه و گسترش باغ خود استفاده کرده‌اند؛ (9) به افزایش سطح زیرکشت باغات خود، اعم از زیرکشت بردن اراضی بایر، زهکشی اراضی، اجاره و یا خرید زمین اقدام کرده‌اند؛ (10) از میزان تحصیلات بالاتری برخوردار هستند؛ (11) از انگیزه بیشتری جهت فعالیت در عرصه کشت و تولید پسته برخوردار هستند و در نهایت این که؛ (12) بیشتر از خدمات مشاوره‌ای مربوط به کشت و تولید پسته و مراجعه به سازمان‌ها و نهادهای مربوطه مانند جهاد کشاورزی و تعاونی پسته‌کاران استفاده کرده‌اند، میزان تولید و عملکرد محصول پسته آنان افزایش و برتری چشمگیری را نشان می‌دهد. بر این اساس، آثار اقتصادی و اجتماعی ناشی از کشت و تولید پسته از قبیل رفاه اقتصادی، امنیت اقتصادی، کیفیت اشتغال، مشارکت و سرمایه اجتماعی (آموزش، آگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای مربوط به کشت و تولید پسته و تعلق مکانی و تولیدی پسته کاران) نیز افزایش یافته است.

#### منابع

- آخوندی، احمد (1384)، بررسی عوامل موثر بر دانش پسته کاران استان یزد در پیشگیری از آفات توکسین و نگرش آن‌ها به کشاورزی پایدار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ص 369.
- افتخاری، عبدالرضارکن الدین و همکاران (1388)، نقش توانمندسازی در توسعه کشاورزی: استان اردبیل، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 69، ص 90.
- بزرگ‌نیا، اردشیر (1388)، اصلاح الگوی کشت: گامی به سوی پایداری تولید، حفظ منابع پایه و رفاه جامعه کشاورزی، دانش غذا و کشاورزی، شماره 12، ص 46.
- پیکانی، غلامرضا (1387)، بررسی مزیت نسبی ذرت دانه ای در الگوی بهینه کشت در استان خوزستان، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، شماره 1، ص 85.



- تقی‌زاده مهدی‌آباد، عباس (1387)، اثرات اجتماعی و اقتصادی کشت پسته در توسعه روستایی شهرستان رفسنجان (بخش فردوس نوق) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، ص 12.
- خانی (دادور)، فضیله (1375)، جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرآیند توسعه روستایی (استان گیلان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ص 194.
- دشتی، قادر، خداوردیزاده، محمد و محمدرضایی، رسول (1389)، تحلیل مزیت نسبی و ساختار بازار صادرات جهانی پسته، اقتصاد و توسعه کشاورزی، شماره 1، صص 99-100.
- سوادی‌مالیدره، علی‌اصغر (1390)، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تغییر الگوی کشت و نقش آن در توسعه روستایی (تغییر الگوی کشت برنج به مرکبات در دهستان بالا تجن استان مازندران) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ص 46.
- الگوی کشت در کشاورزی پایدار (1388)، شیرین بیان، شماره 12، ص 8.
- محمودزاده، مجید و زیبایی، منصور (1383)، بررسی عوامل موثر بر صادرات پسته ایران: یک تحلیل هم‌مجمعی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره 46، ص 137.
- مرکز آمار ایران (1382)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی، استان سمنان.
- مرکز آمار ایران، آمارنامه کشاورزی، جلد اول، محصولات زراعی و باغی، سال زراعی 81-82.
- مسلمی، عبدالرضا (1385)، توسعه پایدار روستایی با تاکید بر سیستم انسان و محیط، جهاد، شماره 270، ص 128.
- منصوری، مریم (1388)، نقش و جایگاه کشاورزی در توسعه روستایی (دهستان سلطانعلی - شهرستان گنبد کاووس)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ص 49.
- میرلطفی، محمودرضا، شایان، حمید و علوی‌زاده، امیرمحمد (1391)، ارزیابی سطح توسعه کشاورزی و عوامل موثر بر آن در شهرستان هیرمند، جغرافیا و توسعه، شماره 28، ص 91.
- نوری، سیدهدایت‌اله و امینی‌فسخودی، عباس (1386)، سهم توسعه کشاورزی در توسعه روستایی (مناطق روستایی استان اصفهان)، مجله علوم کشاورزی ایران، شماره 2، ص 256.
- نوری، هدایت‌اله و قنبری، یوسف (1389)، بررسی ارتباط بین نظام‌های کشاورزی و توسعه روستایی در استان اصفهان، ص 64.
- ویلیام‌مور، جان (1383)، توسعه کشاورزی در ایران: تعامل هدف‌ها و راهبردها، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره 45، ص 45.
- همایونی فر، مسعود و ملک‌دار، محمد (1384)، بررسی عوامل موثر بر توسعه کشت کلزا در استان مازندران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره 4، ص 117.
- Bezemer, D. Headey, D. (2007), **agriculture, development, and urban bias**. World development www.elsevier.com. vol.36, No.8. p:1344,1345
- Calhoun, M. B. (2004), **agriculture, trade, and development in the international political economy: a case study of Jamaica**. Department of government and politics. p: 128

- Chaudhry, M. A. (2007), **introduction Managing agriculture and rural development for poverty reduction**. Natural Resources fourm.p:251
- Cai, Y.P and others. (2009), **investigation of publics perception toward rural sustainable development based on a two-level expert system**. expert systems with application. www.elsevier.com.p:8910
- Committee on opportunities in agriculture, National research council. (2003), **frontiers in agricultural research: food, health. Environment and communities**. <http://www.nap.edu>.263 pages.p:22
- Douwe van der Ploeg, J. (2000), **Revitalizing agriculture: farming economically as starting ground for rural development**. vol.40, No.4.p:508,509
- Leon, Y. (2005), **rural development in Europe: a research frontier for agriculture economists**. Europeam Review of agriculture economics. Vol. 32. P: 302,306
- Martinelli, Luiz A and et al. (2011), **sugar and ethanol production as a rural development strategy in Brazil: Evidence from the state of Sao Paulo**. agricultural systems. www.elsevire.com.p:425
- Mahesh, R.(1999), **causes and consequences of change in cropping pattern**. Center for development studies thiruvananthapuram.
- Morgan. S and et al. (2010), **agricultural multifunctionality and farmers entrepreneurial skills: A study of Tuscan and welsh farmers**. Journal of rural studies. www.elsevier.com.p: 119
- Place, F. A, Michelle.H, P. (2006), **undrestanding rural poverty and investment in agriculture: an assessment of integrated quantitative and qualitative research in western Kenya**. world development. www.elsevier.com.vol.35,No.2.p: 313
- Shalaby, M.Y and et al. (2011), **threats and challenges to sustainable agriculture and rural development in Egypt: implications for agricultural extension**. the Journal of Animal & Plant Sciences.p:583
- Troughton, M. J. (1991), **the dilemma of modern agriculture and sustainable rural communities**. ontario. university of western Ontario London.p:150
- Valdes, A. Foster, W. (2010), **reflection on the role of agriculture in pro-poor growth**. world development. ww.elsevier.com.vol. 38.no.10.p: 1364
- Meijerink, Gerdien & Roza, pim. (2007). **the role of agriculture in development: focusing on linkages beyond agriculture strategy & policy**.